

بوسنی از زاویه‌ای دیگر

کشتار در قلب اروپا

طاهره راهی
خبرنگار

کلید بوسنی برای من متولد دهه شصت با یک فیلم روشن شد، فیلمی از ابراهیم حاتمی کیا با عنوان خاکستر سبز، ابتدای دهه هفتاد، زمانی که تنها کلاس سوم دبستان بودم؛ با آن فاطیمای زیبا که هنوز هم برایم فرشته‌ای دست نیافتنی است و آن چشم‌های سرشار از عشق، شوق و دل‌تنگی عزیز. بوسنی برای من دخترک هشت نه ساله ایرانی، جنگی بود که هم دلیل وصل بود و هم مانع آن.

بوسنی اما نه تنها عشق را، که جنگ را هم پیش رویم آورد. جنگی که برای مای دور از آنجا، در عکس‌ها و فیلم‌ها قابل دیدن بود و البته خاطرات زنده‌گانی که از ایران برای کمک به مردم بوسنی به آنجا رفته بودند. در مورد جنگ بوسنی کتاب‌های متعددی نوشته شده اما شاید یکی از معدود کتاب‌هایی که جزئیاتی از آن را برایمان به تصویر کشیده، کتابی است با عنوان «مجاهدین در بوسنی: تروریست یا رزمنده» نوشته ژنرال حسن افندیچ.

این ژنرال که یکی از مقامات ارشد نظامی و سیاسی بوسنی و هرزگوین است، از ابتدای جنگ در بوسنی تا پایان آن در جریان کلیات و جزئیات مسائل نظامی و امنیتی داخلی و خارجی منطقه بوده و از سوی دیگر دسترسی مناسبی به گزارش‌ها و مستندات بوشنیایی (اصطلاح قومی برای مسلمانان بوسنی) و صربی در دوره مذکور داشته است.

نویسنده در این کتاب از افرادی سخن می‌گوید که برای کمک و با عنوان مسلمان و مجاهد، به بوسنی رفته‌اند، مجاهدانی که دشمنان بوسنی مدعی اند فقط به منظور تشکیل جمهوری اسلامی در قلب اروپا وارد بوسنی شده و به اصطلاح باعث ایجاد القاعده سفید شده‌اند. او این مجاهدان را به سه گروه شهادت طلب، ماجراجو و عوامل سرویس‌های امنیتی غربی و عربی تقسیم می‌کند و با این تقسیم‌بندی، مخاطب را با جزئیات بیشتری از جنگ و وضعیت مسلمانان بوسنی و هرزگوین، قبل و بعد از استقلال این کشور آشنا می‌کند.

افندیچ در این کتاب بارها بیان می‌کند ارتش بوسنی نه به افراد، که به سلاح نیاز داشته اما این مجاهدین بودند که بی‌خبر به کشورشان آمده و میان ارتش‌شان جاجوش کرده بودند؛ «ما دقیقاً نمی‌دانستیم بیگانگان برای چه می‌خواهند به ما کمک کنند. خود آنها می‌گفتند که می‌خواهند به برادران مسلمان بوسنی کمک کنند. طبیعی بود که بوشنیاک‌ها هم از آنها استقبال کنند، چون هم می‌خواستند کمک کنند و هم در جبهه حضور یابند. اما آیا کسی نبود از مجاهدین بپرسد ما به شما نیازی نداریم، چرا به اینجا می‌آید؟ از نظر اخلاقی ما نمی‌توانستیم به کسانی که پیشنهاد کمک می‌دادند جواب رد بدهیم.»

مجاهدینی که با ورودشان وهابیت را در بوسنی گسترش دادند، چیزی که حتی علی عزت بگوویچ هم با درک خطر آن در مراسم مجلس جامعه اسلامی در سال ۹۵ میلادی از آن سخن گفته: «در کنار گوش ما صحبت‌هایی درباره یک مذهب جدید در بوسنی به میان آمده... کسانی هستند که فکرشان فقط این است که ریش بلند بگذاریم...» در این میان افندیچ از مجاهدین ایرانی نام می‌برد که برای کمک به مردم و ارتش بوسنی در معرکه حضور داشته و هیچ‌گاه از حدود اسلام و قانون کشور بوسنی خارج نشده بودند.

ژنرال افندیچ که به اسناد و گزارش‌های رسمی ارتش بوسنی و هرزگوین، سرویس‌های اطلاعاتی پلیس و وزارت کشور بوسنی و همچنین سیاست‌های اعلامی و مستندات دشمن صرب و اظهارات رسمی مقامات کشورهای اروپایی و غربی دسترسی داشته، توانسته کتابی مستند برای مخاطب به تصویر بکشد و از این منظر، کتاب اهمیت ویژه‌ای دارد.



در مورد جنگ بوسنی کتاب‌های متعددی نوشته شده اما شاید یکی از معدود کتاب‌هایی که جزئیاتی از آن جنگ داخلی را برایمان به تصویر کشیده، کتابی است با عنوان «مجاهدین در بوسنی: تروریست یا رزمنده»

که مخاطب را با جزئیات بیشتری از جنگ و وضعیت مسلمانان بوسنی و هرزگوین، قبل و بعد از استقلال این کشور آشنا می‌کند

در ترجمه یک متن ادبی چه واحدی به کار ببرید؟

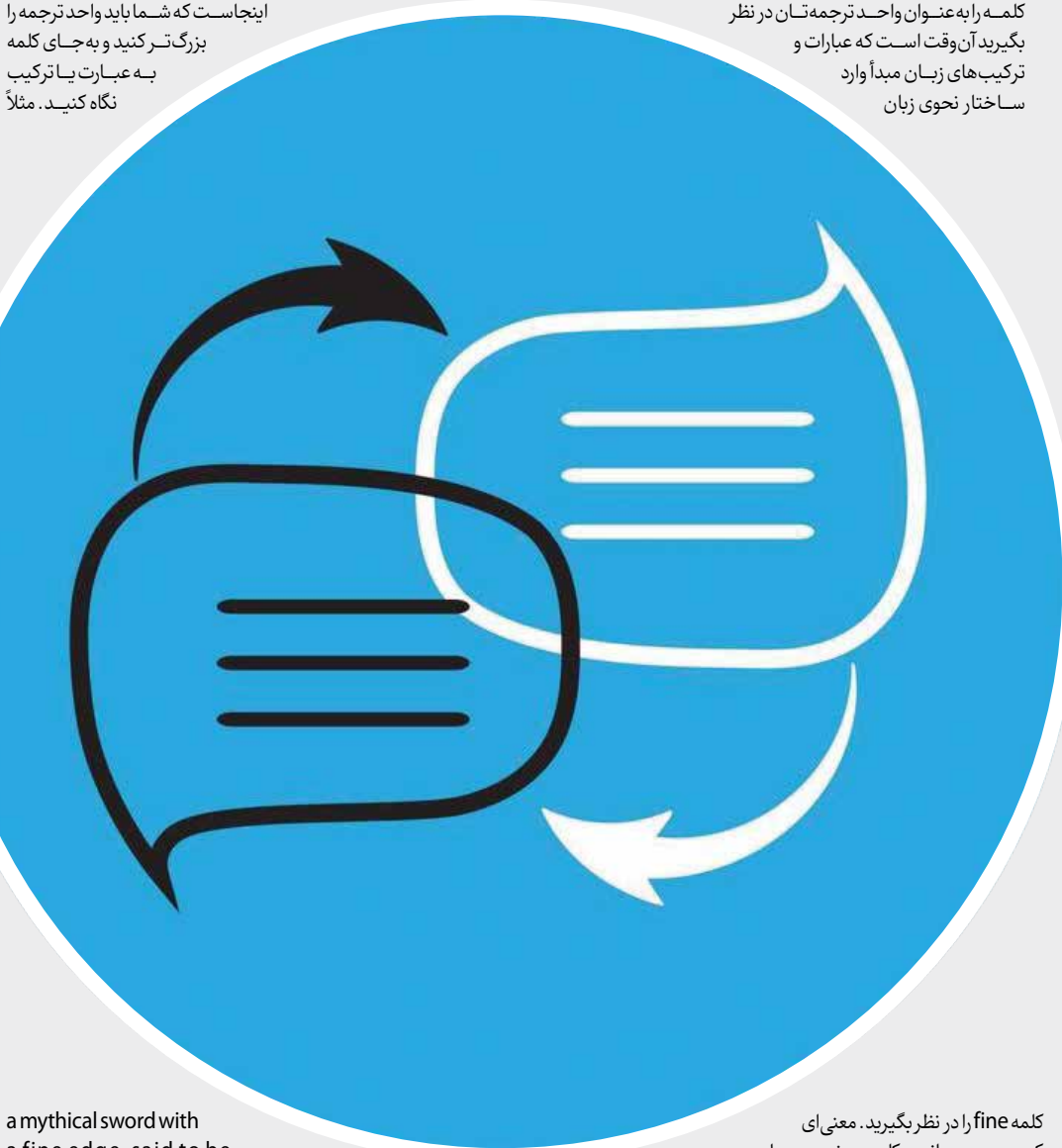
بررسی برخی واحدهای ترجمه

فاطمه منصوری نصرآباد
مترجم

فارسی یا همان متن مقصدتان می‌شود. متن خروجی انسجام کافی ندارد؛ چون تمام واحدها را یک شکل در نظر گرفته‌اید پس نتوانستید الگوهای مختلف را تشخیص دهید و متنی منسجم مثل متن زبان مقصد ارائه دهید.

همه کلمه‌های جمله‌هایی که در متن نوشته شده‌اند تک معنایی نیستند. همه معانی به کار رفته برای یک لغت در لغت نامه هم قرار نیست به مفهوم و محتوای متن بخورد و ربط داشته باشد. اینجاست که شما باید واحد ترجمه را بزرگ‌تر کنید و به جای کلمه به عبارت یا ترکیب نگاه کنید. مثلاً

اگر به عنوان مترجمی تازه کار نمی‌دانید واحد ترجمه دقیقاً چیست باید بگوییم کوچک‌ترین بخشی که شما ترجمه می‌کنید واحد است. برخلاف تصور خیلی از مترجم‌های نوپا واحد ترجمه فقط کلمه نیست؛ بلکه می‌تواند هم کلمه باشد، هم گروه اسمی. گاهی حتی واحد ترجمه یک جمله است! و چرا دانستن این موضوع مهم است؟ چون تمام این واحدها به یکدیگر متصل‌اند و برای ادامه ترجمه لازم است آن را تشخیص دهید و در نظر بگیرید. علاوه بر آن اگر شما مترجم فقط کلمه را به عنوان واحد ترجمه‌تان در نظر بگیرید آن وقت است که عبارات و ترکیب‌های زبان مبدأ وارد ساختار نحوی زبان



a mythical sword with a fine edge, said to be capable of cutting through any armor with ease
در نظر گرفتن واحد ترجمه جمله‌ای طولانی، زشت و کسل‌کننده تحویل می‌دهید. اینجاست که باید واحد ترجمه را جمله در نظر بگیرید. این یعنی تنها هدف شما اینجا انتقال مضمون و محتوای جمله اصلی است. پس متن ترجمه را می‌توان این طور نوشت: «در افسانه‌ها آمده شوالیه‌ای نامدار شمشیری چنان برنده داشت که از زرهی عبور می‌کرد، پس هنگام ترجمه دقت کنید که از چه واحدی باید استفاده کنید تا ترجمه خوشخوان داشته باشید.»

کلمه fine را در نظر بگیرید. معنی‌ای که همه می‌دانید کلمه «خوب» یا «جریمه» است. حالا این دو جمله فرضی را بخوانید:

The driver had to pay a parking fine because they parked illegally in front of their office.
«جریمه پارکینگ» و «پارک غیرمجاز جلوی اداره‌شان» حتماً در جمله بیاید. این ترکیب‌ها جمله‌ای مصنوعی می‌سازند. حالا اگر جمله را در سطح عبارت بشکنید می‌توانید مفهوم عبارت‌ها را در نظر بگیرید و جمله‌ای به شکل «راننده باید جریمه بی‌اجازه پارک کردن جلوی در اداره را بپردازد.» بنویسید.

اگر جمله Legends spoke of a legendary knight who wielded



اگر فقط کلمه را به عنوان واحد ترجمه در نظر بگیرید عبارات و ترکیب‌های زبان مبدأ وارد ساختار نحوی زبان می‌شود. متن خروجی انسجام کافی ندارد؛ چون تمام واحدها را یک شکل در نظر گرفته‌اید پس نتوانستید الگوهای مختلف را تشخیص دهید و متنی منسجم مثل متن زبان مقصد ارائه دهید